به دست آوردن [ɪəkwaɪər] v

به دست آوردن چیزی بدست آوردن تصرف در آن است.

→ تینا دیروز بسته عجیبی پیدا کرد.

بی دست و پا - به شکلی نامناسب

awkward [ˈɔːkwərd] adj. بی دست و پا - به شکلی نامناسب

اگر چیزی ناجور باشد ، شرم آور و ناراحت کننده است.

→ پس از انداختن فنجان قهوه ، رابی احساس ناخوشایندی کرد.

سرایدار

سرایدار [ˈkɛərteɪkər] سرایدار

سرایدار شخصی است که از افراد بسیار جوان ، پیر یا بیمار مراقبت می کند.

care سرایدار مادربزرگم به او کمک می کند تا در خانه دور بزند.

فریب دادن

فریب دادن [dɪˈsiːv] v فریب دادن

فریب کسی به معنای باور داشتن چیزی است که درست نیست.

as او سعی کرد دوستان خود را در حالی که مشغول بازی بودند فریب دهد.

دلسرد کردن

دلسرد کردن [dɪsˈkə: rɪdʒ] v دلسرد کردن

دلسرد کردن کسی باعث می شود که او نسبت به چیزی احساس کمتری کند.

→ آقای پری دانش آموزان را از ترک تحصیل منصرف کرد.

جعلی

جعلی [feɪk] adj. جعلی

اگر چیزی جعلی باشد ، برای فریب مردم ، واقعی جلوه می کند.

مدل مژه های تقلبی به چشم داشت.

نفرت

نفرت [ɪheɪtrɪd] n. نفرت

نفرت یک احساس شدید از دوست نداشتن شخص یا چیزی نیست.

→ من از طعم دارو نفرت دارم.

کلبه

hut [hʌt] n. کلبه

کلبه خانه ای است ساخته شده از چوب ، چمن یا گل که فقط یک یا دو اتاق دارد.

all همه ما برای خواب به کلبه رفتیم.

فرومایه

inferior [ɪnˈfɪərɪər] adj. فرومایه

اگر چیزی فرومایه است ، به خوبی چیز دیگری نیست.

→ اتومبیل های ساخته شده در صد سال پیش نسبت به اتومبیل های ساخته شده امروز پایین ترند.

کلبه

lodge [lɒdʒ] n کلبه

لژ خانه ای در کوهستان است که توسط افرادی که شکار یا ماهی می کنند استفاده می شود.

→ در طول سفر اسکی خود ، در یک لژ اقامت داشتیم.

بی توجهی

neglect [nɪˈglekt] v غفلت

غفلت از شخص یا چیزی این است که به درستی از آن مراقبت نکنید.

→ ویلیام از اتاقش غافل شد ، بنابراین یک آشفتگی کامل است.

تازه وارد

تازه وارد [ˈnjuːˌkʌmə: r] n تازه وارد

تازه وارد شخصی است که اخیراً به مکانی یا گروهی رسیده است.

→ دانش آموزان با خوشحالی از تازه وارد مدرسه استقبال کردند.

توهین

offense [ensfens] n. توهین

جرم رفتاری است که نادرست یا قانون شکنی است.

سرقت اتومبیل تخلف بسیار جدی است.

غافل شدن

overlock [əuvəˈluk] v. غافل شدن

چشم پوشی از چیزی این است که متوجه آن نشوید ، یا متوجه نشوید که مهم است.

→ برندا آخرین مرحله را نادیده گرفت و سقوط بدی داشت.

بازپرداخت

بازپرداخت [riːˈpeɪ] v بازپرداخت

بازپرداخت یعنی بازپرداخت یا پاداش دادن به شخصی یا چیزی.

→ او با یک هدیه کوچک دوست خود را برای تمام زحماتش جبران کرد.

مسخره - مضحک

مسخره [rɪˈdɪkjələs] adj. مسخره - مضحک

اگر چیزی مضحک باشد ، احمقانه یا عجیب است.

→ استیو با آن عینک های آفتابی بزرگ آبی مضحک به نظر می رسید.

رضایتبخش

رضایت بخش [æsætɪsˈfæktərɪ] adj. رضایتبخش

اگر چیزی راضی کننده باشد ، به اندازه کافی خوب است.

→ مینا از آنجایی که خیلی سخت درس می خواند اغلب نمرات رضایت بخشی می گرفت.

شبان

shepherd [ˈʃepə: rd] n. شبان

چوپان شخصی است که از گوسفندان محافظت و مراقبت می کند.

چوپان گوسفندان را به مزارع دیگری منتقل کرد.

ریسک

سرمایه گذاری [ˈventʃər] v سرمایه گذاری

اقدام به سرمایه گذاری یعنی رفتن به مکانی که ممکن است خطرناک باشد.

→ حتی اگر خطرناک باشد ، آنها کوه را رها کردند.

گندم

گندم [hwiːt] n گندم

گندم گیاهی است که دانه تولید می کند. از دانه گندم برای تهیه نان استفاده می شود.

→ مزرعه گندم طلایی آماده برداشت بود.